

دعا سلاح مؤمن

دکتر محمود ویسی

مدرس گروه فقه و حقوق شافعی دانشگاه مذاهب اسلامی

کسانی که پروردگارشان را در بامداد و شامگاه می‌خوانند و رضای او را می‌جویند...».

۲. «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاً وَيَكْشِفُ السُّوءَ...» (۲)

«کیست آنکه در مانده را - هنگامی که بخواندش - اجابت کند و گرفتاری را برطرف سازد؟...».

۳. «ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (۳)

«پروردگار خود را به زاری و پنهانی بخوانید که او متجاوزان را دوست ندارد».

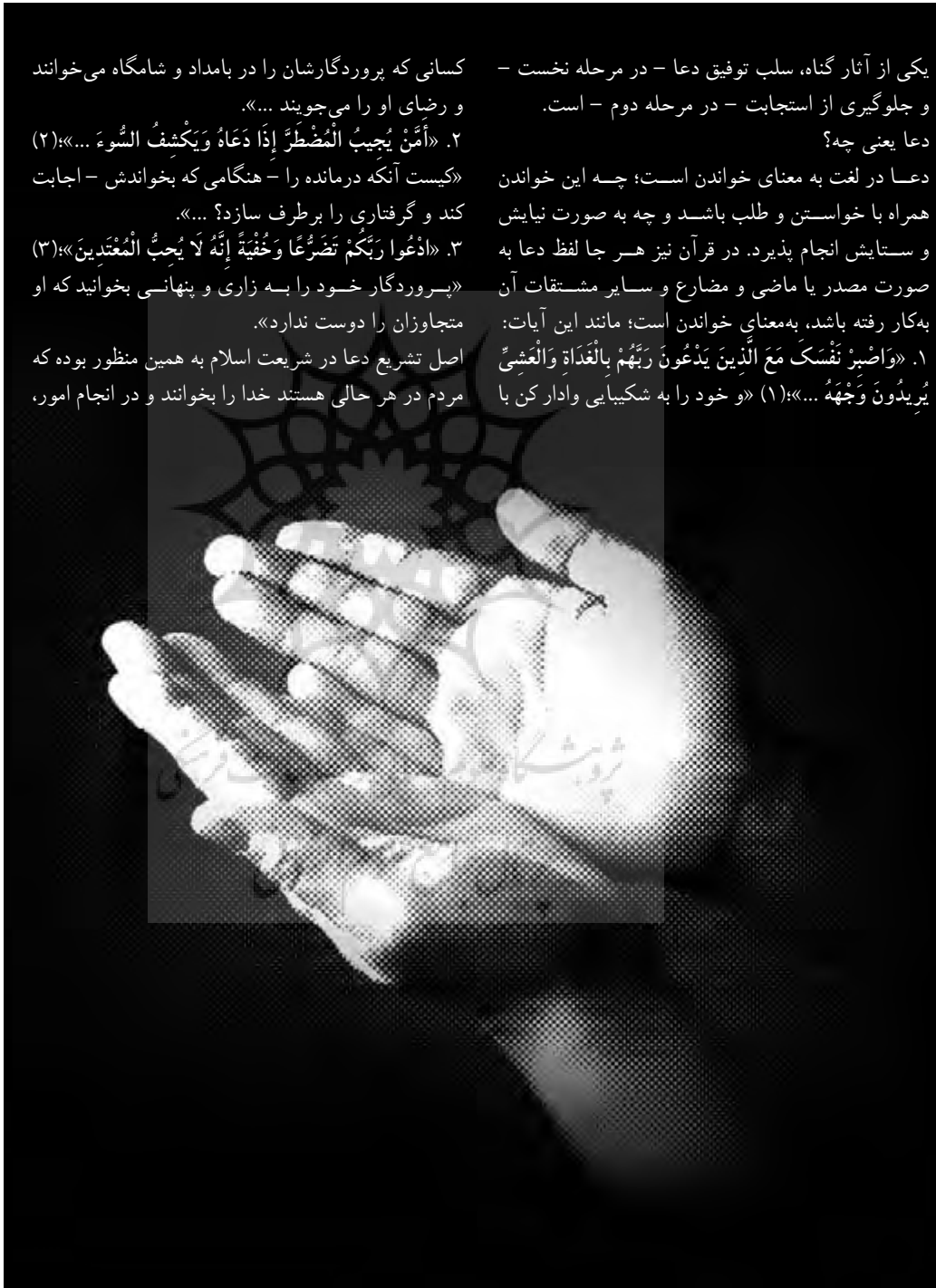
اصل تشریح دعا در شریعت اسلام به همین منظور بوده که مردم در هر حالی هستند خدا را بخوانند و در انجام امور،

یکی از آثار گناه، سلب توفیق دعا - در مرحله نخست - و جلوگیری از استجابت - در مرحله دوم - است.

دعا یعنی چه؟

دعا در لغت به معنای خواندن است؛ چه این خواندن همراه با خواستن و طلب باشد و چه به صورت نیایش و ستایش انجام پذیرد. در قرآن نیز هر جا لفظ دعا به صورت مصدر یا ماضی و مضارع و سایر مشتقات آن به کار رفته باشد، به معنای خواندن است؛ مانند این آیات:

۱. «وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْعَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ...» (۱) «و خود را به شکیبایی و اداری کن با



همیشه از او مدد جستته و رابطه خود را با او قطع نکنند و او را از یاد نبرند که این خود عبادت است؛ چنانچه رسول خدا صلی الله علیه و آله سلم می فرماید: «الدعاء مع العبادة» این حدیث را امام ترمذی از انس به طریق مرفوع ذکر کرده است. دعا مغز عبادت است.

در قرآن کریم خداوند دعا را عبادت خوانده است آنجا که می فرماید: «... ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» (۴) «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم، همانا کسانی که از عبادت من (یعنی دعا) تکبر ورزند، با خواری و ذلت به جهنم داخل می شوند».

پس دعا، صرف نظر از آثار نیکی که دارد، نوعی عبادت و برقراری ارتباط میان بنده و خداوند است که در ایجاد آرامش درونی انسان و تسکین آلام و رنجهای زندگی دارویی بس مؤثر و مفید است و آنان که از این عبادت محرومند، پایگاه و پناهگاه محکمی را در برابر مشکلات زندگی از دست داده اند و به انسان به اسلحه و سپری می مانند که در میدان نبرد زندگی درمانده شده اند. پیامبر خدا (ص) در حدیثی که امام احمد آن را روایت کرده، می فرماید: «الدعاء سلاح المومن»؛ یعنی دعا اسلحه انسان مؤمن است. روان شناسان به این نتیجه رسیده اند که توجه به خدا و اصل نیایش و دعا، موجب رفع بسیاری از گرفتاریها و حتی امراض مختلف و صعب العلاج می گردد.

«دیل کارنگی» روان شناس مشهور آمریکایی در کتاب «راه و رسم زندگی» می گوید: «نیاز به خدا با نیایش تظاهر می کند. نیایش یک فریاد عجز، یک تقاضای کمک و یک سرود عشق است و تنها شامل کلماتی نیست که معنایش را نمی فهمیم بلکه آثارش تقریباً همیشه مثبت است و چنانچه گویی خداوند به آدمی گوش فرامی دهد و جواب مستقیمی عطا می کند. حوادث غیرمنتظره ای اتفاق می افتند، تعادل روحی برقرار می شود؛ دنیا چهره خشن و ظالم خود را از دست می دهد و مهربان می شود، قدرت عجیبی از عمق وجود ما خود را آشکار می کند. نیایشی به آدمی نیروی تحمل غمها و مصائب را می بخشد و هنگامی که کلمات منطقی برای امیدواری نمی توان یافت، انسان را امیدوار می کند و قدرت ایستادگی را در برابر حوادث بزرگ به او می دهد.

دنیای علم از دنیای نیایش متفاوت است، اما با آن متباین نیست همان طور که عقلانی بودن با غیر عقلانی بودن تباینی ندارد. این کیفیات هر قدر هم که غیر قابل درک باشند، بایستی به واقعیتشان معترف بود».

و همچنین در کتاب دیگرش به نام «آئین زندگی» درباره اینکه چگونه نگرانی و تشویش را از خود دور کنیم

می گوید: «امروزه جدیدترین علم یعنی روان پزشکی، همان چیزهایی را تعلیم می دهد که پیامبران تعلیم می دادند. چرا؟ به علت اینکه پزشکان روحی در یافته اند که دعا و نماز و بر خورداری از یک ایمان محکم دینی و آموزه های دین، نگرانی، تشویش، هیجان و ترس را که موجب بسیاری از ناخوشیهای ماست، برطرف می سازد. یکی از پیشوایان علم مزبور می گوید: کسی که حقیقتاً معتقد به مذهب است هرگز گرفتار امراض عصبی نخواهد شد. اگر مذهب نداشته باشد زندگی بی معنی و پوچ است و بازیچه های بیش نخواهد بود. چند سال قبل از مرگ هنری فورد، یک روز به ملاقات او رفتم. پیش از ملاقات انتظار داشتم که آثار خستگی و ملالت سالیهای متمادی را که در تأسیس و اداره یکی از بزرگ ترین شرکتهای جهانی صرف نموده است از خود نشان دهد. اما با کمال تعجب مشاهده کردم که او در سن هفتاد سالگی کاملاً آرام و عاری از تشویش است. وقتی از او پرسیدم که آیا تا کنون هیچ نگران شده است؟ در پاسخ گفت: خیر، من عقیده دارم که تمام امور را خداوند روبه راه می کند و آن خدای بزرگ احتیاجی به توصیه و راهنمایی من ندارد. چون خداوند حاکم و مسلط بر تمام امور است و تمام کارها، عاقبت به بهترین وجه انجام خواهد پذیرفت. در این صورت چه دلیلی برای نگرانی باقی می ماند؟

امروزه پزشکان روان شناس نیز مبلغین متجدد دین شده اند. آنها ما را از آن جهت به دینداری تشویق نمی کنند که از آتش جهنم اخروی رهایی یابیم بلکه برای نجات از آتش جهنم همین دنیا، یعنی جهنم زخم معده، اختلال عصبی و جنون است که گرویدن به دین را توصیه می کنند. ویلیام جیمز، پدر روان شناسی جدید در نامه ای به یکی از دوستانش، یادآور شده که هر چه بیشتر از سالهای عمرش می گذرد کمتر می تواند بدون اعتقاد به خداوند زندگی کند. دکتر الکسیس کارل نویسنده «انسان موجود ناشناخته» و برنده بزرگ ترین جایزه علمی یعنی نوبل، طی مقاله ای می نویسد:

«دعا و نماز» قوی ترین نیرویی است که انسان می تواند تولید کند؛ نیرویی است که چون قوه جاذبه زمین وجود حقیقی و خارجی دارد. در حرفه پزشکی مردانی را دیده ام که پس از آنکه تمام معالجات، دیگر در حال آنان مؤثر واقع نشده بود، با نیروی دعا و عبادت از بیماری مایخولیا رهایی یافتند.

دعا و نیاز، چون رادیوم یک منبع نیروی مشعشعی است که خود به خود تولید می شود. از راه دعا بشر می کوشد نیروی محدود خود را با متوسل شدن به منبع نامحدود تمام نیروها، افزایش دهد. وقتی که ما دعا می خوانیم خود را به



قوه محرکه پایان‌ناپذیری که تمام کائنات را به هم پیوسته است، متصل و مربوط می‌سازیم. ما دعا می‌کنیم که قسمتی از آن نیرو به رفع حوائج ما اختصاص داده شود. به محض همین استدعا نواقص ما مرتفع می‌شود و با قدرتی بیشتر و حال بهتری از جا برمی‌خیزیم. هر وقت ما با شور و حرارت، خداوند را در دعا و نماز مخاطب می‌سازیم، هم روح و هم جسم خود را به وجهی احسن تغییر می‌دهیم.

غیر ممکن است مرد یا زنی تنها برای یک لحظه به دعا بپردازد و نتیجه مثبت و مفیدی از آن نگیرد. دانشمند مزبور حتی یکی از راههای مبارزه با بی‌خوابی را دعا ذکر کرده است و از زبان یکی از دانشمندان انگلیسی نقل می‌کند که وی طی نطق خود در انجمن پزشکی انگلیس اظهار داشت: مؤثرترین مولد خواب که در اثر سالها تجربه بر من آشکار شده، دعا است.

با بیان این مطالب به خوبی آشکار می‌شود که دعا و توجه به خدا صرف نظر از طلب و درخواست چیزی از خدا در رفع آلام و نگرانیها و حتی امراض، اثر مهم و غیر قابل انکاری دارد. لازم به یادآوری است که تشریح دعا - برخلاف آنچه که شایع است - تنها برای مواقع گرفتاری و شدايد نيست؛ بلکه خداوند متعال کسانی را که تنها در گرفتاری و محنت به درگاه او روی آورده و دعا می‌کنند، مورد نکوهش قرار داده و می‌فرماید: «وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَا إِلَى ضُرِّ مَسَّهُ كَذَلِكَ زِينٌ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (۵) «و چون به انسان گرفتاری و محنتی برسد ما را در حال خفتنی یا نشسته و ایستاده بخواند و چون گرفتاریش را برطرف کنیم برود، گویی اصلاً ما را برای گرفتاری که به او رسیده بود نخوانده است. این چنین برای اسراف‌گران اعمالی که می‌کرده‌اند، آرایش داده شده است».

و در آیه‌ای دیگر فرموده است: «وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَى بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ» (۶) «و چون به انسان نعمتی دهیم (از ما) روی بگرداند و تکبر و بزرگی کند و چون بدی (و بلایی) به او رسد (و گرفتار شود) دعایی بسیار دارد».

پس انسان باید در سخت‌ترین مراحل زندگی و مشکل‌ترین گرفتاریها، با دعا و راز و نیاز به خدا پناه ببرد چرا که تنها خدا و راز نیاز با اوست که می‌تواند به انسان آرامش خاطر لازم را بدهد. اکنون تا حدودی اهمیت توجه به خدا و دعا و تضرع به درگاه او برای به‌دست آوردن آسایش در زندگی معلوم گردید و دانسته شد تنها چیزی که می‌تواند آرامش خاطر به انسان بدهد همانا توجه و ارتباط با خدا و دعا به درگاه اوست اما عامل مؤثر و خطرناکی که می‌تواند این

نعمت بزرگ را از ما بگیرد و ریشه ارتباط ما را با خدا قطع نماید و ما را از توفیق دعا و توجه به خدا محروم گرداند گناه است. بنابراین ضرورت دارد که هرگاه به دعا می‌ایستیم ابتدا به گناهایی که مرتکب شده‌ایم اعتراف کنیم و از آنها استغفار بجوییم، سپس حاجات خود را مطرح نماییم. اما تنها مانع استجابت دعا، گناه نیست بلکه استجابت دعا در گروه فراهم آمدن شرایط دیگری است که به اجمال به آنها اشاره می‌کنیم:

۱. دعا باید از صمیم قلب و از روی نیاز باشد؛ به عبارتی باید دل و زبان در آنچه می‌خواهند، هماهنگ شوند. یعنی فرد به حال اضطراب و درماندگی بیافتد تا واقعاً خواستن در وجودش پیدا شود. مولوی می‌گوید:

هر که جويا شد بيايد

عاقبت / مايه‌اش ورد است

و اصل مرحمت

هر کجا دردی دوا آنجا

رود / هر کجا پستی است

آب آنجا رود

آب کم جو تشنگی آور

بدست / تا بجوشد آبت از

بالا و پست

تا نزاید طفلک نازک

گلو / کسی روان گردد ز

پستان شیر او

۲. دعا جای کار و تلاش

را نمی‌گیرد؛ چراکه اگر کلید

کاری به دست ماست در

اینجا دعا به تنهایی اثری

ندارد؛ زیرا دعا برای تحصیل

توانایی است؛ به عبارت دیگر دعا برای آن نیست که ما بی‌کار بنشینیم و منتظر باشیم که دعا همه کارها را رو به راه کند. و این بدان جهت است که خداوند متعال کارها را بر اساس نظام اسباب و مسببات انجام می‌دهد و دعا نباید بر خلاف نظام حاکم بر کائنات جاری شود و انتظار داشته باشیم که خداوند سنتهای تغییرناپذیر خود را با دعای ما تغییر دهد.

گفت پیغمبر به آواز بلند / با توکل زانوی اشتر بسند

رمز الكاسب حبيب الله شنو / از توکل در سبب كاهل مشو

رو توکل کن تو با کسب ای عمو / جهد می‌کن کسب می‌کن



مو به مو

گر توکل می‌کنی در کار کن / کشت کن پس تکیه

بر جبار کن

به هر حال دعا و توکل جای عمل را نخواهد گرفت، بلکه انسان باید کاری را که از دستش برمی‌آید انجام دهد و در آن بخشهایی که کار به دست او نیست، دعا کرده و بر خدا توکل نماید.

۳. دعا باید با خلوص نیت همراه باشد و دعا کننده با ایمان و یقین به اجابت دعا از سوی پروردگار

و با عشق و علاقه به درگاه خداوند برود و هر چه از صفای درونی بیشتری برخوردار باشد به همان اندازه دعایش به اجابت نزدیکتر است.

الهی سینه‌ای ده آتش افروز / در آن سینه دلی و آن دل همه سوز
هر آن دل را که سوزی نیست دل نیست / دل افسرده غیر از آب و گل نیست

دلم پر شعله گردان سینه پر دود / زبانم را به گفتن آتش آلود

سخن کز سوز دل تبابی ندارد / چکد گر آب از او آبی ندارد

دلی افسرده دارم سخت بی نور / چراغی زو به غایت روشنی دور

بسته گرمی دل افسرده‌ام را / فروزان کن چراغ مرده‌ام را

گاهی با وجود تمام شرایط دعا از نظر ما، باز هم مصلحت ما و یا دیگران در انجام و تحقق خواسته ما نیست؛ چون ما از مصالح و مفاسد خود و جامعه خبر نداریم و گاهی بدون اطلاع از سرانجام کار بر خواسته خود اصرار می‌ورزیم، در صورتی که حقیقت امر اگر بر ما آشکار شود، از خواسته خود منصرف می‌شویم.

«عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (۷) «چه بسا

چیزی را خوش ندارید در صورتی که برای شما خوب است و چه بسا چیزی را دوست دارید که برای شما بد است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید».

بنابراین انسان در هیچ حالی نباید از دعا مأیوس گردد؛ چه آنکه دعایش مستجاب گردد و چه آنکه به خاطر یکی از موانعی که گذشت، مستجاب نگردد و یا اجابت آن مدتی به تأخیر افتد؛ زیرا همان‌طور که در ابتدای سخن گفته شد اولاً دعا خود نوعی عبادت است، ثانیاً دعا به



هر صورت و به هر حالی که باشد، حتی از شخص گناهکار، روی جسم و جان و اعضا و جوارح انسان اثر داد و چه بسا دعایی که مثلاً مستجاب نشده است، بعدها منشأ آثار نیک دیگری خواهد گشت، زیرا دعا نیز یکی از اعمال و آثار این جهان است که مانند سایر اعمال و آثار محو نمی‌گردد. همچنین تأخیر اجابت دعا، سبب تکرار دعا و در نتیجه موجب تقویت نیروی روحی و ایمانی دعا کننده می‌گردد.

ناله مؤمن همی داریم دوست / گو تضرع کن که این

اعزاز اوست

حاجت آوردش ز غفلت سوی من / آن کشیدش مو کشان تا کوی من

گر برآرم حاجتش را او رود / هم در آن بازیچه مستغرق شود

خلاصه کلام آنکه خدا هر بنده‌ای را که دوست دارد، او را نیازمند درگاه خود می‌کند تا ذکر (یا ربّ یا ربّ) او قطع و رشته ارتباطش با خدا بریده نشود.

پس خواندن خدا ابزار زندگی نیست بلکه ابزار بندگی است و زندگی واقعی تنها در بندگی تجلی و معنی و ظهور می‌یابد. دعا احتیاج است و اشتیاق، امن است و خوف، محبت است و معرفت، توبه است و انابت و صحیح نیست که تنها در حالت اضطرار دعا کنیم بلکه باید زندگی رنگ‌وبویی دعایی داشته باشد.



پی‌نوشتها

۵. یونس، ۱۲.

۶. فصلت، ۵۱.

۷. بقره، ۲۱۶.

۱. کهف، ۲۸.

۲. نمل، ۶۲.

۳. اعراف، ۵۵.

۴. غافر، ۶۰.

